

اقتصاد هنر

و گوشه چشم بودجه ریزان

در اهمیت هنر نیز شادروان غلامحسین یوسفی در کتاب «چشمه روشن» نگاشته است:

«من همیشه یکی از مظاهر صنع خداوند را در هنر و آفرینش هنرمندان دیده‌ام. شگفتا در قلم جان‌بخش آن نقاش و پیکره‌تراش و خوش‌نویس یا در پنجه گرم‌پوی نوازنده و لحن‌آفرین و در آوای دل‌انگیز حنجره خواننده چه سحری به کار رفته است که هر چند از حیث پیکر و اندام‌ها نظیر هزاران فرد دیگرند، هزاران تن به مدد هم نیز نمی‌توانند ذره‌ای از هنر آنان را به‌وجود آورند؟!»^۱

حال اگر آن روی سکه زیبایی‌های هنر را تماشا کنیم به صحنه‌های درد و رنج و کوشش بی‌امان هنرمند برای خلق اثر هنری می‌رسیم. زحمات طاقت‌فرسا و پیگیری که خواب و آرامش را از روح و جسم هنرمند می‌ستانند. در طول تاریخ به هنرمندان عاشقی برمی‌خوریم که هیچ‌گاه شاهد آسایش و رفاه را نچشیده‌اند.

آنه ماری شیمیل شرق‌شناس آلمانی به شماری از خوش‌نویسان و کاتبان اشاره می‌کند که برای کاستن از رنج و کم‌اجری کتابت هم که شده است، در مواردی کلمه «خط» را با تغییری اندک و جابه‌جایی به «حظ» تبدیل می‌کردند تا حداقل حظ لذت نبرده را در روی کاغذ با نوشتن تجربه کنند. خوش‌نویسان ظریف نگار ما در لابه‌لای مشاقتی‌ها و مشق‌ورزی‌های خود همواره سختی راه کتابت و نگارش را یادآوری به شاگردانشان کرده و نوشته‌اند:

ز احتیاج بتر در جهان بلایی نیست
به هیچ وجه تهی‌دست را نوایی نیست
اما باز گفته‌اند:

«جای گله نیست شکر باید کردن»
هنرمندان برای به‌دست آوردن امکانات اولیه زندگی در مواردی دنیای آرمانی خود را نیز بروز

راه رسیدن جامعه به تعادل و توازن عبور از گذرگاه فرهنگ و هنر است. امروز وقتی به گذشته می‌نگریم، تأثیر اجتماعی هنر را به‌راحتی می‌توانیم دریابیم؛ زیرا افرادی که در گذشته به راه هنر رفته‌اند، به دلیل وارستگی و کارآمد بودن در شمار الگوها و گروه‌های مرجع قرار گرفته‌اند. هنر آنان امروزه به رغم همه مشکلات، افزون بر غفلت‌زدایی به معرفت‌افزایی می‌پردازد و مانند چراغ راه عمل می‌کند. این نکته را از آن جهت ذکر کردم که توجه هنریان و کارگزاران فرهنگی را به سخن متفکران در اهمیت زیبایی جلب کنم.

صاحب‌نظران بر این باورند که:

- زیبایی تجمل و تفنن نیست؛ یک اصل است، یک نیاز است. به این ترتیب، کاهش میزان زیبایی در هر جامعه حاکی از افزایش مشکلات آن جامعه خواهد بود.

- انسان برای اثبات وجود انسانی خود به آفرینش هنر نیاز دارد.

- هنر دنیای بی‌عیب خواستن و دنیای برتری خواستن است.

- زیبایی نوید امان و گشایش می‌دهد. همه در وعده‌گاه زیبایی به هم می‌رسند.

- خاصیت زیبایی این است که پیش از آنکه به وصف درآید اعجاب تولید می‌کند.

- زیبایی فاصله زمانی و مکانی را از میان بر می‌دارد.

استاد اسلامی ندوشن در مورد شاهنامه نوشته است:

«شاهنامه شاهکار هنری و اثری منحصر به فرد است و تا به حال هیچ کتابی تا این اندازه در سرنوشت هیچ کشوری مؤثر نبوده است. اگر شاهنامه نبود، نامی از ایران نبود. در یک کلام، بعد هنری هیچ کتابی به پای شاهنامه نمی‌رسد.»

داده‌اند؛ به‌طوری‌که دل‌نوشته‌ها یا واگویه‌های درونی گاهی به کنج سیاه‌مشق‌های شبانه آن‌ها راه پیدا کرده است. همین جمله‌ها در عین سادگی، آیینۀ روح خوش‌نویس است و عوالم فکری و آرزوها و آرمان‌های او را منعکس می‌کند. زنده‌یاد علی منظوری، شاگرد برجسته عماد/الکتاب در پایان یکی از سیاه‌مشق‌هایش نوشته است:

«در کنار سبزه‌های دولاب جلوی منزل میرزا ابوالقاسم نوشته شد خداوند وسیله می‌کرد که یک منزل در اینجا فراهم می‌شد باعث خوشحالی بود.»^۲ این نمونه‌ها در حالی بیان می‌شود که می‌دانیم اصولاً هنرمندان افرادی قانع و کم‌توقع‌اند و فقط به دنبال گذران زندگی در سایه‌سار عشق‌ورزی به هنرشان هستند. آن‌ها احساس بی‌کرانگی دنیای هنر را بیش از هر کسی دریافته و تجربه کرده‌اند و حاضر نیستند آن را با علایق دنیوی عوض کنند. با این حال، همگان و به‌ویژه کارگزاران عرصه فرهنگ و هنر می‌دانند که عامل ایجاد توازن بین وضع هنرمند و دنیایی که در آن زندگی می‌کند، برخورداری از حداقل‌هایی است که چرخش و گردش لازم را برای حفظ دلبستگی به هنر ایجاد می‌کند. اگر مانند آن گوینده بگوییم:

«آفت جان هنرمند هنرمندی اوست»

فقط صورت‌مسئله را پاک کرده و نسخه‌ای بی‌ثمر پیچیده‌ایم که حاصل آن بی‌علاقه کردن هنرمند به هنرش می‌باشد. در مقابل، جلب توجه اذهان مهربان و وسیع مسئولان و حتی کسانی که بودجه‌ها را اختصاص می‌دهند لازم است. باید به آن‌ها گفت که خرید آثار هنری و رونق بازار هنر را بیش از این فراموش نکنند؛ زیرا آن‌چنان که صدها بار گفته شده است، هنر با معرفت‌افزایی ایجاد فرزاندگی می‌کند و به پالایش و پیرایش جامعه در راه رسیدن به تعالی اخلاقی مدد می‌رساند. سرمایه‌گذاری در هنر هزینه نیست بلکه

اقدامی پیش‌اندیشانه است که از بسیاری ضایعات اجتماعی جلوگیری می‌کند. هنر بعد از آموزه‌های دینی در ارضای روح معنوی جایگاه مهمی دارد.

اما به خودمان برمی‌گردیم. این روزها معلمان و دانش‌آموزان برای خرید آثار هنری و کتاب‌های نفیس و اثرگذار و انگیزه‌بخش در مضیقه‌اند و این نکته روند بالندگی و شکوفایی آن‌ها را می‌تواند کند. بی‌تردید نمی‌خواهیم برای حل این مشکل فقط نسخه دولتی بیچیم اما گوشه چشمی به موضوع رونق اقتصاد هنر امیدبخش و راه‌گشا خواهد بود. سرگذشت‌نامه هنرمندان نشان می‌دهد که داشتن یک کتاب هنری مهم و یا فروش یکی از آثارشان در شروع پویندگی و بالندگی آن‌ها چقدر تأثیرگذار بوده است!

برای ایجاد و تداوم فرصت‌های رویش هنری راهی جز توجه جدی به موضوع اقتصاد هنر وجود ندارد. به صدا در آوردن زنگ اقتصاد هنر و سامان‌دهی برای خریداری آثار هنری هنرمندان معلم راهی است که زمینه‌های فراوان آن در آموزش و پرورش وجود دارد. هر مدرسه در نظام تعلیم و تربیت می‌تواند به موزه و نمایشگاهی از آثار معلمان هنرمند تبدیل شود. اینکه مدیران آموزشگاه‌ها پس از رفع و رجوع نیازهای اولیه به خرید آثار هنری هنرمندان فرهنگی روی بیاورند اتفاق بزرگی است اما بدون تردید، حمایت برنامه‌ریزان و مدیران ارشد پشتگرمی ارزنده‌ای برای این موضوع خواهد بود. تا بعد!

سردبیر

پی‌نوشت

۱. ص ۷۱۵، نشر علم، ۱۳۶۹

۲. مرقع زرین، نشر روزنامه اطلاعات سال ۱۳۶۵